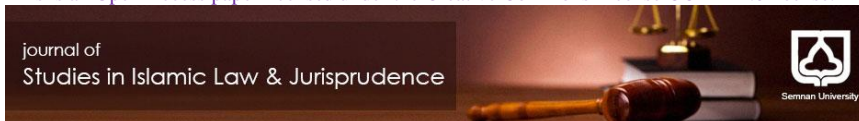


**Islamic Law and Jurisprudence Studies**  
**Volume 15, Consecutive Number 32, autumn 2023**  
**Issn:2717-0330**

**Journal Homepage:** <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



## **Jurisprudential analysis of the production and use of weapons of mass destruction**

**Rostami Najafabadi. Hamed<sup>1</sup>**

1: Assistant Professor, International University of Islamic Religions, Tehran, Iran.

([hamedrostami@mazaheb.ac.ir](mailto:hamedrostami@mazaheb.ac.ir))

Examining Islamic Jihad issues in resorting to military force and coercive actions against the enemy and the way to treat civilians and non-combatant people indicates that the humanitarian provisions of Islam are based on the fundamental principles that provide the necessary grounds for the implementation of Jihad rules in different conflict situations. They provide Islam. Justice, the right to life and respect for human dignity are among the foundations of humanitarian rights in Islam, each of which has a special place and importance in Jihad in the cause of Allah. Quranic evidence, narration, reason, consensus and Muslim jurisprudence rules have prohibited the production and use of weapons of mass destruction; Therefore, in this article, while examining the concept and examples of weapons of mass destruction, topics such as justice, the right to life, human dignity, which are discussed as the bases for not allowing the use of weapons of mass destruction, to examine the verses and traditions, reason and consensus, which are among the most important evidences for issuing verdicts. Regarding topics such as weapons of mass destruction; Paid. In this research, the prohibition of the production and use of weapons of mass destruction in Islamic jurisprudence has been analyzed, and in the books of the jurists of the previous examples, it can be revised and applied to the current examples; Also, the prohibition of using these weapons in normal conditions is based on customary rules.

**Keywords:** Weapons of mass destruction, nuclear weapons, justice, right to life, human dignity.

- H. Rostami Najafabadi (2023). Jurisprudential analysis of the production and use of weapons of mass destruction, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(32), 293-318.

Doi: [10.22075/feqh.2023.30559.3593](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30559.3593)



## فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵ - شماره ۳۲ - پاییز ۱۴۰۲

صفحات ۲۹۳ - ۳۱۸ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۰۲/۱۵ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۳/۰۷ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

## واکاوی فقهی تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی

حامد رستمی نجف آبادی<sup>۱</sup>

[hamedrostami@mazaheb.ac.ir](mailto:hamedrostami@mazaheb.ac.ir)

۱: استادیار دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

بررسی مسائل جهادی اسلام در توسل به نیروی نظامی و اقدامات قهرآمیز علیه دشمن و نحوه رفتار با غیر نظامیان و افراد غیر مقاتل، حاکی از ابتدای مقررات بشر دوستانه اسلام بر اصول بنیادینی است که در وضعیت‌های مختلف مصادقات، زمینه‌های لازم را برای اجرای احکام جهادی اسلام فراهم می‌سازند. عدالت، حق حیات و احترام به کرامت انسانی از جمله مبانی حقوق بشر دوستانه اسلام محسوب می‌شوند که هر کدام از آنها جایگاه و اهمیت خاصی در جهاد فی سبیل الله دارند. ادله قرآنی، روایی، عقلی، اجماع و قواعد مسلم فقهی، تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی را منع کرده‌است؛ لذا در این نوشتار ضمن بررسی مفهوم و مصادیق تسلیحات کشتار جمعی، مباحثی چون عدالت، حق حیات و کرامت انسانی که به عنوان مبانی عدم جواز استفاده از تسلیحات کشتار جمعی بحث شده، به بررسی آیات و روایات، عقل و اجماع که از جمله مهم‌ترین ادله صدور حکم در خصوص مباحثی نظیر تسلیحات کشتار جمعی است؛ پرداخته می‌شود. در این تحقیق، منع تولید و بکارگیری تسلیحات کشتار جمعی در فقه اسلامی مورد واکاوی قرار گرفته و مصادیق سابق آن را می‌توان تنقیح مناط و وحدت ملاک گرفته و بر مصادیق فعلی منطبق کرد؛ همچنین منع بکارگیری این سلاح‌ها در شرایط عادی از قواعد عرفی مستفاد می‌گردد.

**کلیدواژه:** تسلیحات کشتار جمعی، سلاح هسته‌ای، عدالت، حق حیات، کرامت انسانی.

– رستمی نجف آبادی، حامد (۱۴۰۲) واکاوی فقهی تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه

سمنان، شماره ۳۲، صفحات ۲۹۳-۳۱۸.

Doi: [10.22075/feqh.2023.30559.3593](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30559.3593)

## مقدمه

صلح و آرامش از اموری است که فطرت پاک و غیر آلوده‌ی انسان همیشه آنرا دنبال می‌کند. از آرزوهای بشر، صلح و سازگاری بین ابناء و افراد بشر است. در مقابل، تردیدی نیست که جنگ و خون‌ریزی با فطرت اولیه انسان ناسازگار است و هر انسانی با توجه به فطرت سلیم خویش، از جنگ بیزاری می‌جوید. در کنار این اصل مسلم و تردید ناپذیر، عقل و دین در وضعیّت خاصی دفاع و جهاد را صحیح و لازم می‌شمرند. دفاع از دین و وطن و خانواده امری فطری است. دعوت بشر به سوی هدایت و زدودن کفر و شرک و ضلالت، خصوصاً از مستضعفان از اهداف غایی جهاد در اسلام است: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ: با کفار و مشرکان جنگ کنید تا زمانی که شرک و کفر از بین برود و دین خداوند حاکم شود» (بقره: ۱۹۳). اما باید توجه داشت که همواره اصل در اسلام صلح و امنیت بوده و جنگ در موارد خاص، تجویز شده است و اسلام دین صلح است، نه دین جنگ.

درباره نابودی یا ممنوعیّت سلاح‌های مرگبار، توافق نظر نسبتاً وسیعی - حداقل به صورت کتبی - وجود داشته است. از سال ۱۹۲۵ که به طور ناباورانه‌ای بسیاری از کشورها پروتکل منع استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمّی و سایر گازها و نیز ممنوعیّت بکارگیری روش‌های جنگ میکروبی را تصویب کردند، استفاده از سلاح‌های شیمیایی، ناقض قواعد حقوق بین‌الملل شناخته شده است. چند سال بعد از تصویب این پروتکل، امضاء کنندگان، در برابر ایتالیا که علیه اتیوپی از گاز سمّی استفاده کرده بود، از خود کمترین واکنشی نشان ندادند اگرچه از سلاح‌های شیمیایی، از سال ۱۹۷۲ به این طرف، در کنوانسیون‌های خلع سلاح که همه ساله از طرف سازمان ملل و هربار در ژنو برگزار می‌شود، محکوم شده است. کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، هنگامی که در سال ۱۹۹۳ به مرحله اجرا درآمد مایه مباهات فراوان جنبش حقوق بشر گردید، اما قدرت‌های بزرگ آن را بیشتر به توصیه کارشناسان نظامی خود تصویب کردند که می‌گفتند امروزه سلاح‌های شیمیایی کاربرد چندانی ندارند و اگر هم کاربرد پیدا کند، آن را

می‌توان از منابع غیر نظامی به دست آورد. بدین ترتیب، جاذبه‌های نوین بشردوستانه، تأثیر چندانی در تصویب این کنوانسیون نداشته است (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۲۶۶)؛ باید توجه داشت که تولید و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای از جمله تهدیدات جوامع انسانی در عصر حاضر محسوب می‌شود که می‌تواند جان انسان‌های زیادی را گرفته و تا سال‌ها آثار مخرب در نسل‌های بشری از خود به جای گذارد و همزیستی مسالمت‌آمیز افراد را در جوامع بشری تهدید جدی کرده و صلح جهانی را به مخاطره اندازد؛ به این دلیل، در زمره جرایم عمده و کلان علیه انسانیت محسوب می‌شود. در محافل و مجامع بین‌المللی در قالب پیمان‌هایی چون پیمان منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای معروف به (NPT) و پیمان‌هایی که مربوط به کنترل سلاح‌های شیمیایی و میکروبی است برای جلوگیری از تولید و اشاعه آن، تلاش‌های فراوانی انجام گرفته‌است، نتیجه مهم این تلاش‌ها امروزه تشکیل نهادهایی است که با جایگاه خاصی تعریف شده و در مناسبات بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند. بمباران‌های شیمیایی مردم بی‌گناه و فروریختن بمب بر خانه‌های مسکونی، کشتارهای دسته‌جمعی، نشان از جرایمی هستند که از طرفی می‌توانند به دلیل برخورد با وجدان جامعه بشری موضوع بحث‌های اخلاقی و عاطفی باشند و از طرف دیگر، به واسطه قرار گرفتن در محدوده فقه و حقوق اسلامی، موضوع تحلیل‌های حقوقی و بین‌المللی نیز قرار گیرد که در فقه اسلامی بدان پرداخته شده و مبنای صدور فتاوی فقه‌ها بوده‌است. توجه به اینگونه جرایم با دقت در این نکته که انسانیت و کرامت انسانی را در مفهوم شناخت عام بشری مورد آسیب و خدشه قرار می‌دهد حائز اهمیت وافر است. بدون شک، فقه اسلامی در گستره تحت نفوذ خود، نخستین و مؤثرترین منبع حقوقی را تشکیل می‌دهد. از این نظر، هرگونه موضع‌گیری کشورها و نهادهای اسلامی درباره نفی و اثبات هر قانونی نسبت به هر موضوع و بخصوص موضوع استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی، که مصداق کامل و بارز آن تسلیحات هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی است، باید با موازین فقهی سنجیده شود. ولی در کارنامه فقه پژوهشی معاصر، به بررسی این موضوع از زاویه‌ی فقهی با رویکرد تطبیقی

و مقارن کمتر پرداخته شده است؛ لذا در این نوشتار ممنوعیت تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی بر اساس معیارهای فقه اسلامی تبیین شده است. علیرغم این که در منابع اسلامی نصّ صریحی راجع به تولید و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی وجود ندارد، در این نوشتار تلاش شده است تا حکم این موضوع با توجه به منابع فقهی و معیارهای مبتنی بر این منابع استخراج و تبیین گردد؛ ضمن این که موضوع ممنوعیت این سلاح‌ها در پرتو قواعد فقهی مانند قاعده وزر، عمومات قرآن و روایات و مقاصد شریعت اسلامی نیز تبیین شده است. این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، درصدد پاسخگویی به این سئوالات است که: مبنای فقهی و اخلاقی حکم تولید و استفاده از این سلاح‌ها چیست؟ ادله حرمت استفاده از این سلاح‌ها کدام هستند؟ به دلیل ویژگی‌های خاص تسلیحات کشتار جمعی، لازم است نخست در کنار مباحث مفهوم شناختی، مبانی و ادله بکارگیری این سلاح‌ها، مورد و اکاوی فقهی قرار گیرد که این نوشتار درصدد تبیین و واکاوی آن است.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- تسلیحات کشتار جمعی

واکاوی فقهی استفاده از تسلیحات کشتار جمعی، مستلزم آن است که ابتدا مفهوم، مصادیق، آثار تخریبی و مخاطرات ناشی از این تسلیحات و مفاهیم همسو تبیین شود تا در تحلیل معیارهای فقهی و حقوقی، بتوان به عنوان موضوعات احکام و شاخص‌های عرفی مورد استناد قرار داد. تا زمانی که موضوعات احکام مشخص نشود زمینه لازم برای استنباط احکام مقتضی فعلیت پیدا نمی‌کند. از سوی دیگر، بی‌تردید، عرف از مهم‌ترین شاخص‌های شناسایی موضوعات احکام در فقه محسوب می‌شود و در حقوق بین‌الملل از منابع اصلی آن بوده و جایگاهی دارد و سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی که امروزه از مصادیق بارز تسلیحات کشتار جمعی محسوب می‌شوند معیار تشخیص آن عرف است. مرجعیت عرف در تعیین و تحدید مفاهیم بکار رفته در بیان شارع، مورد قبول است (آهنگران و غانم، ۱۳۹۷: ۳۶)؛ اما اصطلاح «سلاح‌های

کشتار جمعی» برای نخستین بار در ۲۸ دسامبر ۱۹۳۷ در گزارش یک خبرنگار در روزنامه تایمز و در قالب توصیف وضعیّت ویرانی های ناشی از بمباران شهر گرنیکا ابداع شد. در ادبیات حقوق خلع سلاح نیز این اصطلاح، مترادف سلاح های نامتعارف تلقی می شود (ساعد، ۱۳۸۶: ۴۳). بعدها در سال ۱۹۴۸، عبارت «تسلّیحات کشتار جمعی» در یکی از اسناد کمیسیون «تسلّیحات نوع متعارف» به کار رفت و از آن پس رواج گسترده ای یافت. جنگ افزارها و سلاح های کشتار جمعی، سلاح هایی هستند که هنگام بکارگیری آنها برای اهداف نظامی و کشتار گروهی انسان ها به غیر نظامیان هم آسیب وارد می کنند و یا موجب تخریب و تغییر محیط زیست می شوند و این آسیب رساندن و تغییر محیط زیست برگشتناپذیر است. برای سلاح های کشتار جمعی تعریف مشخصی ارائه نشده است اما کمیسیون تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد برای متمایز کردن سلاح های هسته ای از سلاح های متعارف، اصطلاح «سلاح های کشتار جمعی» را وضع نمود. این کمیسیون مقرر کرد: «سلاح های انفجاری اتمی، سلاح های دارای مواد رادیواکتیو، سلاح های شیمیایی و میکروبی و هر نوع سلاحی که در آینده ابداع گردد و دارای خواص قابل مقایسه با آثار تخریبی بمب اتمی یا سایر سلاح های مذکور باشد را باید در زمره سلاح های کشتار جمعی قرار داد. به بیان دیگر، سلاح های کشتار جمعی، سلاح هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از راه تخریب محیط زیست یا تخریب سازه های ساخت بشر به گروه های انسانی آسیب می رسانند و این آسیب رساندن برگشتناپذیر است (قابل ترمیم و بهبود به وضع اولیه نیست)، یا به کشتار گروهی انسان ها منجر می شوند و نمی توان در کاربرد این سلاح ها و آسیب رسانی آنها میان نظامیان و غیر نظامیان تفکیک کرد؛ به گونه ای که هرگاه از این سلاح ها استفاده می شود در کنار نظامیان، شمار بسیاری از غیر نظامیان هم دچار کشتار و یا آسیب می شوند (عبدی و هاشمی، ۱۳۹۷: ۷۲۰). سلاح هسته ای نیز جنگ افزارهایی هستند که در آنها از انرژی حاصل از شکافت یا گداخت هسته ای برای تخریب و کشتار استفاده می شود.

در زمینه تعریف تسلیحات کشتار جمعی وحدت نظر میان صاحب نظران نظامی وجود ندارد؛ با وجود این، ویژگی «تهدید فوق العاده» برای حیات بشر و سایر جانداران، مد نظر عموم ایشان قرار گرفته است. بر همین اساس، سلاح های کشتار جمعی شامل سلاح های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که معیارهایی که برای تشخیص این سلاح ها از سایر تسلیحات مطرح است قدرت تخریبی بالای این سلاح هاست که به دلیل ماهیت مواد بکار گرفته شده در این سلاح ها، تعیین شعاع کمی و کیفی برای آنها کار دشواری است و از این منظر، فاصله ای فاحش میان این دسته از تسلیحات با سلاح های نوع متعارف وجود دارد و معیار دیگر، اهداف بکارگیری آنها است که ماهیت بکارگیری آنها جز به منظور انهدام و کشتار وسیع نیست و آثار مخربشان، چنان است که نمی توانند به اهداف معینی محدود شوند.

تعبیر «سلاح های کشتار جمعی» یا «سلاح غیرمتعارف» که در ادبیات امروز فارسی زبانان درباره سلاح های مورد نظر بسامد پیدا کرده است، تعبیر گویایی نیست. به نظر می رسد تعبیر کنونی لغت عرب از این سلاح ها با عنوان «اسلحه الدمار الشامل» به معنای سلاح های هلاک کننده و از بین برنده فراگیر، گویاتر است. شاید تأمل برخی از افراد درباره حرمت تولید و انباشت و کاربست این سلاح ها ناشی از ناگویایی این کاربست در زبان فارسی بوده است؛ و آلاً با توجه دقیق به آن چه از این واژه اراده می شود، تأملی در حرمت آن نداشته اند (علیدوست، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

پس به طور خلاصه سلاح هسته ای عبارت است از سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته ای یا ایزوتوپ های رادیواکتیو استفاده می شود و در اثر انفجار یا سایر تغییرات هسته ای کنترل می شود، یا در اثر رادیواکتیویته ناشی از سوخت هسته ای یا ایزوتوپ های رادیواکتیو، قادر به انهدام یا مسمومیت در مقیاس بسیار گسترده است (علیدوست، ۱۳۹۷: ۱۶۸؛ ر.ک: ممتاز، ۱۳۷۷: ۸۴). سلاح های شیمیایی را هم براساس اثرات مختلفی که بر بدن افراد می گذارد به سه دسته تقسیم نموده اند: «۱- GA، GB، GD، GF و VX متیل فسفو بوتیوئیک اسد ریا، گاز سارین، قرار دارند، سلاح هایی

هستند که بر روی سیستم عصبی بدن تأثیر سوء می‌گذارند. ۲- HD گاز خردل گوگرد، HN خردل نیتروژن، L و CX هستند، اثرات خود را بر روی پوست به جا می‌گذارند. ۳- گازهای بی‌رنگ CG و DP، کلرین Cl و فسفوکلرین PS وجود دارند؛ باعث اختلال سیستم تنفسی بدن می‌شوند. سلاح‌های کشتار جمعی در زبان فارسی، در قالب واژه مخفف «ش. م. ه» (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) مورد استفاده قرار می‌گیرند (ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۰-۱۴).

## ۲-۱- کرامت انسانی

واژه کرامت، به عزت و بزرگواری معنا شده و اسمی که برای اکرام کردن به کار می‌برند؛ همچنان که در برخی موارد، طاعت جایگزین اطلاعات واقع می‌شود (ابن - منظور، ۱۹۹۷: ۳۹۶/۵). کرامت انسانی از جمله بنیادی ترین مفاهیمی است که در حمایت از ابنای بشر و مقام انسان مورد توجه ادیان آسمانی، نظام‌های حقوقی، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها قرار گرفته است؛ به طوری که امروزه آوازه آن، شهرت جهانی یافته و زینت بخش گفتمان‌های حقوق بشر در سطح جهان گردیده است.

اگرچه واژه کرامت، در ادبیات دینی ما وجود داشته است ولی رایج شدن آن در اصطلاحات حقوق و انسانی، پس از رواج اصطلاحات مربوط به حقوق بشر است. این واژه، از کلمه «Dignity» در انگلیسی گرفته شده و آن چه در متون انگلیسی و نوشته‌های مربوط به حقوق بشر آمده، همین واژه دیگنتی است که در فارسی از آن به حیثیت، کرامت و یا منزلت انسانی یاد می‌شود. کرامت در لغت، معانی مختلفی دارد. مهم‌ترین آنها عبارتند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت (دهخدا، ۱۶۰۷۰). در بررسی جایگاه کرامت انسان در اسلام، باید میان کرامت ذاتی و اکتسابی او تمایز قائل بود. به نظر می‌رسد در دین اسلام بتوان دو نوع کرامت برای انسان یافت: یکی کرامتی جهان



شمول که صفتی فطری و ذاتی است و از آیه ای چون «و لقد کرمنا بنی آدم» (اسراء: ۷۰) مستفاد می‌گردد (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). این نوع کرامت، عام است و همگی انسان‌ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و... را شامل می‌شود و بیانگر صفت رحمانیت خداوند است. رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را در بر می‌گیرد. کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان، مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی، از این جمله اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۳). نوع دیگر کرامت انسانی، اکتسابی و غیر ذاتی بوده و مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است و از آیه ای نظیر «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» (حجرات: ۱۱۳) قابل برداشت است؛ چراکه در این آیه مبنای کرامت، نه بشریت، بلکه تقوا معرفی شده است. به عبارت دیگر، اکتساب کرامت منظور در این آیه، مقید به تقوا است (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). این نوع کرامت خاص بوده و تنها انسان‌هایی را شامل می‌شود که راه حقیقت را یافته و به خداوند ایمان دارند. خداوند به این دسته از انسان‌ها رحمت خاص عطا کرده که غیر مؤمنان از آن بی نصیب اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۳). در اعلامیه جهانی حقوق بشر، جهت جلوگیری از بروز اختلافات عقیدتی میان مردم کشورهای گوناگون، به کرامت ذاتی انسان توجه شده است و در اسلام نیز در کنار کرامت اکتسابی، به کرامت ذاتی انسان نیز توجه ویژه شده است.

کرامت انسان در اسلام، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری، بلکه بر اساس یک امر هستی‌شناختی و اصیل، که منشأ آن ذات خلقت بشری است و نیز بر مبنای احکام و فرامین الهی توجیه می‌شود. از جمله این مبانی می‌توان به قدرت اراده و اختیار انسان، آزادی انسان، خلیفه الله بودن انسان و وجهه الهی داشتن انسان اشاره کرد. تمام این موارد، خاص انسان است و دیگر موجودات را شامل نمی‌شود و از طرفی هم با فساد و خونریزی و گناه انسان از بین نمی‌رود. بنابراین، برای حفظ کرامت اسلامی انسان باید به این مبانی

و حقوق توجه کرده و آنها را در هیچ انسانی از بین نبرد. استفاده از سلاح های هسته‌ای کرامت و حیثیت انسانی را لگه دار کرده و نادیده گرفتن مسلم این اصل است.

## ۲- مبانی عدم جواز استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای

در ابتدا این بحث و در راستای ممنوعیت تولید و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای، مبانی حقوق بشر در اسلام و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای به اختصار مورد بررسی و واکاوی اخلاقی و فقهی قرار می‌گیرد.

### ۱-۲- عدالت

عدل و عدالت، در لغت به ضدّ ستم، راستی، سادگی و انصاف معنا شده است (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۲۷۵/۴). با جمع بندی نظریات فقهای اسلامی، می‌توان «عدالت» را به اختصار اینگونه تعریف کرد: «عدالت، عبارت است از رعایت استحقاق ها و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در امور»؛ این تعریف نه مفهوم جدید، بلکه شالوده‌ای از مفاهیم ارائه شده از عدالت را ترسیم می‌کند. «عدالت» به عنوان قاعده فقهی از سوی برخی از فقها و اندیشمندان معاصر از جمله شهید مطهری مطرح شده است (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۳۶/۱). از آنجا که مهم‌ترین هدف حقوق بشر در اسلام، حمایت از کرامت و عزت انسانی است عدالت، مبنای اصلی همان قواعد محسوب می‌شود و لذا میدان منازعه مسلحانه همچنان که ممکن است بستر بزرگ ترین جنایات بشری باشد، می‌تواند صحنه تحقق عدالت و اجرای آن در جنگ نیز باشد و باور به آن می‌تواند حتی در بکارگیری و کنترل شیوه‌ها و ابزارهای جنگی وحشیانه و مخوف، نقش کلیدی داشته باشد؛ این حقیقت را به ویژه در مورد تسلیحات کشتار جمعی می‌توان ملموس درک کرد.

لذا عدالت، جامع‌ترین معیار جهان شمول است که بر اساس این معیار، نقض قواعد بشردوستانه از سوی هر قدرتی اتفاق بیفتد، مغایر با ارزش‌های انسانی شناخته شده است و از آنجا که عدالت، بالنده‌ترین معیار ارزشی پذیرفته شده ملل مختلف جهان بوده و

هست، لذا استناد به آن به عنوان مبنای حقوق، می‌تواند بستر مناسبی را برای تعامل کشورها، پایبندی آنها به اصول و ترغیب ملت‌ها به همگرایی بین‌المللی در اجرای اسناد بین‌المللی تحدید یا ممنوعیت کاربرد تسلیحات کشتار جمعی فراهم آورد.

## ۲-۲- حق حیات

بی‌تردید حق حیات، نخستین و مهم‌ترین حقی است که اگر اصولی به عنوان حقوق طبیعی اثبات شدنی باشد در رأس همه آنها خواهد بود؛ زیرا تا زمانی که این حق برای افراد جامعه ای تأمین نشود جای بحث درباره سایر حقوق نخواهد بود و اگر این حق نبود، آفرینش بشر لغو بود. انسان، آفریده شده است تا حرکت تکاملی پیدا کند و بدون داشتن این حق، به مقام شایسته اش نمی‌رسد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۷۴) از اینرو در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) با تأکید و صراحت کم‌نظیر از قتل و کشتار انسان‌ها نهی شده و گناه کشتن یک انسان برابر با کشتن همه انسان‌ها توصیف شده است. از نگاه اسلام، حیات، جلوه‌ای محبوب از عظمت خداوندی است که هر کس، هر اندازه توانایی در آماده کردن وسیله ادامه مطلوب آن را داشته باشد و هر اندازه دارای قدرت دفع ضرر از حیات بوده باشد - اعم از حیات خود و دیگران - باید اقدام به مقدور نماید و در غیر این صورت، مجرم و مستحق کیفر است (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۵۵). از قرائن، شواهد و ادله قرآنی و روایی استفاده می‌شود که توجه به مسائل حقوق بشر دوستانه لازم و تعرض به انسان‌های بی‌گناه و غیر محارب، نامشروع و مغایر با اهداف سعادت بخش جهاد فی سبیل الله است. در واقع، حق حیات بنیادی‌ترین حق انسانی است و دیگر حقوق پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، متوقف بر حق حیات است و دولت‌ها مکلف هستند تمهیدات و اقدامات لازم را در جهت پاسداری از حق حیات تمام شهروندان فراهم کنند و از جمله مفاهیم و مبانی بنیادی حقوق بشر، «حق حیات» است که محترم شمرده شده و کسی نمی‌تواند متعرض آن شود.

## ۲-۳- کرامت انسانی

در قسمت تبیین مفاهیم، مفهوم «کرامت» در لغت و اصطلاح تبیین شد. در کتاب نظریه حقوقی اسلام نیز در تعریف کرامت آمده است: «منظور از کرامت این است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه به طور محترمانه زیست کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۹۱). در واقع، اصل کرامت انسانی از جمله مباحث حقوقی می‌باشد؛ کرامت انسان، ارزش فطری (ذاتی) یا شایستگی هر انسان است که با وجود هویت و ماهیت انسانی هر فرد انسانی وجود می‌یابد و به عنوان مبنای فلسفی تمامی حقوق بشر شناخته می‌شود. اصل کرامت انسان که از آن به عنوان «اصل حیثیت و منزلت انسانی» یا «اصل شرافت یا عزت انسانی» از آن یاد می‌شود در نگاهی جامع و با عنایت به دیدگاه‌ها و مطالب توضیحی فوق، می‌توان کرامت انسانی - یکی از مبانی حقوق بشر دوستانه - را اینگونه تعریف کرد: «کرامت انسانی، عبارت است از: شرافت و احترامی که انسان‌ها به لحاظ بهره‌مندی از توانایی‌ها و شایستگی‌های بالفعل یا بالقوه از آن برخوردارند، به طوری که این جایگاه انسانی در یک فرایند تشکیکی به تناسب عملکرد او می‌تواند تعالی یا تنازل یابد». در این تعریف، دو نکته اساسی قابل توجه است: نخست این که همه انسان‌ها از مرتبه‌ای از مراتب کرامت انسانی برخوردارند؛ موحد و غیرموحد، (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۵۰/۹)؛ دیگر این که همه انسان‌ها در برخورداری از کرامت، یکسان نیستند، چون مراتب کرامت انسان‌ها از کرامت طبیعی که به لحاظ دمیده شدن روح الهی در انسان و برخورداری از استعدادهای عقلی تا کرامت ملکوتی که متعلق به خلیفه الهی و برترین کرامت است، امتداد می‌یابد. تبیین درست منشأ و خواستگاه کرامت انسان، بیشتر از این حیث دارای اهمیت است که این موضوع، ضمن این که نقطه اشتراک نظری دانشمندان اسلامی و غربی محسوب می‌شود بیان‌کننده نقطه افتراق دیدگاه آنان نیز هست؛ یعنی نقطه اشتراک آنها می‌تواند نقطه امتیاز نیز باشد، چراکه ممکن است هر گروهی مفهوم خاصی از آن انتزاع نماید. منشأ و خواستگاه کرامت انسان در حقوق اسلام، عقل و همچنین دمیده شدن روح الهی در اوست.

با عنایت به آیات و روایات بسیاری که برای اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود، همچنین دیدگاه اندیشمندان اسلامی، می‌توان به این جمع بندی رسید که همه انسان‌ها بدون لحاظ خصوصیات خاص یا فضائل معنوی مکتسبه، بلکه انسان بما هو انسان، متعلق تکریم الهی بوده و از کرامت ذاتی برخوردارند؛ و اصل کرامت انسانی را می‌توان به عنوان قاعده «تکریم الانسان» در حقوق بشر اسلامی به کار برد.

### ۳- عدم استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای

فقیهان امامیه در اصدار فتوا و حکم، به قرآن، سنت معصوم (ع)، اتفاق فقها و عقل تمسک می‌کنند و تا حکمی مطابق یکی از اسناد نباشد، از اعتبار برخوردار نیست. به نظر می‌رسد در مسأله مورد بحث، یعنی تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی همه این اسناد بر منع و حرمت دلالت می‌کنند. از طرفی، فقه اسلامی از آنجایی که سعی دارد در فتاوی، روشی را اتخاذ نماید که به قول قرآن و معصوم علیه السلام نزدیک شود؛ از اینرو فتاوی در فقه اسلامی، هماهنگ با اندیشه‌های فطری و اخلاقی می‌باشد. در ادامه این ادله مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد:

#### ۳-۱- آیات و روایات

##### الف: آیات

- آیات دال بر ممنوعیت قتل: این آیات مانند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) و «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴) می‌باشند. آیه اول به مفهوم اولویت دلالت می‌کند بر این که وقتی کشتن یک انسان محترم از منظر خداوند متعال به منزله کشتن تمام انسان‌هاست پس به طریق اولی، کشتن اهالی یک شهر یا کشور که بالبداهه در آن انسان‌های بی‌گناه هم خواهد بود، از منظر خداوند بسیار قبیح بوده و خدا به آن راضی نیست؛ و آیه دوم با منطوق خود می‌رساند که کسی نبایستی قربانی شرارت و گناه شخصی دیگر باشد و به مفهوم اولویت می‌رساند که نباید هزاران انسان را به خاطر گناه چند شخص قربانی کرد و هر کس مسئولیت اعمال خویش را شخصاً برعهده دارد.

- آیه نهی از سعی در افساد زمین: کمترین خسارت سلاح هسته ای این موارد می- باشد: «اِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵). در پیش گرفتن هر مسیری که در نهایت به فساد بر روی زمین ختم گردد، مصداق سعی بر فساد و موضوع این قاعده است و در نتیجه، محکوم به حرمت خواهد بود. مطالعات استراتژیک نشان می دهد که انباشت سلاح های هسته ای، گامی به سوی بهره گیری از آنها است. همین مطالعات بیانگر آن است که به محض نخستین بهره گیری از این سلاح ها، بهره گیری های بعدی به گونه ای پیوسته و در قالبی کنترل ناپذیر، سبب شعله ور شدن آتش جنگی می گردد که نتیجه آن تحقق فساد بسیار پر دامنه در زمین- است. قرآن کریم در این آیه سخن از «سعی منتهی به فساد در حرث و نسل» به میان آورده و به تعبیر دیگر، حرمت را بر روی این عنوان برده است.

- آیه تناسب در مجازات: آیه «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۹۴)؛ بیانگر تناسب در مجازات است. این آیه می تواند از مهم ترین آیات راجع به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی به حساب آید. مطابق آیه مذکور، ستم کردن امری نکوهیده و مذموم است اگر ابتدایی باشد، و نه در جهت مقابله با دشمنان ستمکار، اما زمانی که برای مقابله باشد نه تنها مذموم نیست بلکه برای تعالی از ذلت و پستی بوده و باعث ارتقاء از حضيض بندگی و ظلم و ستم است. بدون شك استفاده از سلاح های کشتار جمعی که در جهت مقابله با دشمن بکار می رود هیچ تناسبی با مجازات دشمن ندارد، چرا که تمام مردم مرتکب ستم نشده اند تا همه آنان مشمول مجازات قرار گیرند.

### ب: روایات

عموم و اطلاق روایاتی که از اهل بیت (ع) در مورد نهی جنگجویان مسلمان، از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه ها، مزارع و کشتن حیوانات، پخش سموم به محل مسکونی دشمن و ... رسیده است بر منع استفاده از سلاح کشتار جمعی دلالت می کند:

الف: «عن أبي عبد الله (ع) قال: كان رسول الله (ص) اذا أراد أن يبعث سرية دعاهم فأجلسهم بين يديه ثم يقول سيروا بسم الله و بالله و في سبيل الله و على ملة رسول الله (ص) لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شيخاً فانياً و لا صبياً و لا امرأه و لا تقطعوا شجراً إلا أن تضطروا إليها ...: امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا هرگاه می خواست سپاهی را گسیل دارد، آنها را فرا می خواند و در برابر خود می نشاند و می فرمود: به نام خدا و با یاری خدا و در راه خدا و بر آئین پیامبر خدا رهسپار شوید، در غنایم دست نبرید، دست به مثله کردن نزنید، خیانت نکنید، پیر مرد رفتنی و کودک خرد سال و زن را نکشید، و درختی را قطع نکنید، مگر آن که ناچار بدین کار (قطع درخت) شوید» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۹/۶-۱۳۸).

ب: «عن أبي عبد الله (ع) قال: «إن النبي (ص) كان اذا بعث أميراً على سرية أمره بتقوى الله عزوجل في خاصه نفسه ثم في اصحابه عامه ثم يقول: اغزوا بسم الله و في سبيل الله قاتلوا من كفر بالله و لا تغدروا، و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا وليدا و لا متبلا في شاهر و لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا شجره مثمره و لا تحرقوا زرعاً: رسول خدا(ص) به فرماندهای که به عنوان «امیر جنگ» منصوب می کردند علاوه بر توصیه هایی به خود او و اصحاب و سربازان او می فرمودند: جنگ را با نام خدا آغاز کن و فقط با کسانی که کفر به خدا دارند مقاتله کنی و مکر و حيله نکنید و خیانت نکنید و مثله نمایشید، کودکان را نکشید و کسانی که زخمی و مجروح هستند را نکشید و درختان نخل را آتش نزنید، کفار را در آب غرق نکنید، درختان ثمره دار را قطع نکنید و زراعت ها را نیز آتش نزنید» (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹/۵-۳۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۸/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۹/۱۹).

ج: عن خالد بن الفزر حدّثني أنس بن مالك أن رسول الله (ص) قال: انطلقوا باسم الله و على ملة رسول الله لا تقتلوا شيخاً فانياً و لا طفلاً و لا صغيراً و لا امرأه و لا تغلوا و ضموا غنائمكم و أصلوا و أحسنوا إن الله يحب المحسنين: با نام خدا و بر مبنای دین خدا اسیران را آزاد کنید و پیر فرتوت و طفل و صغیر و زن را نکشید و زیاده روی نکنید، طوری که

به غنایم جنگی شما افزوده شود و محبت کرده و نیکی کنید؛ چرا که خداوند محسنین را دوست دارد» (بیهقی، بی تا: ۹۰/۹؛ ر.ک: ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۶۵۴/۷؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰: ۵/۳۳-۳۲؛ ابن عبدالبر التمهید، ۱۳۸۷: ۲۴/۲۳۲).

د: «عن سلیمان بن بریده عن أبيه قال قال رسول الله (ص) إذا أمر أميراً على جيش أو سرية أوصاه في خاصته بتقوى الله و من معه من المسلمين خيراً ثم قال اغزوا باسم الله و في سبيل الله قاتلوا من كفر الله اغزوا و لا تغلوا و لا تغدروا و لا تمثلوا و لا تقتلوا وليداً و إذا لقيت عدوكم من المشركين فادعهم إلى إحدى ثلاث خصال: همیشه وقتی پیامبر اسلام امیری را به جنگی امر می فرمود او را در مورد خودش و سپاهش به رعایت تقوای الهی وصیت می فرمود، سپس می گفتند با نام خدا و در راه خدا بجنگید و کسانی را که کفر می ورزند را بکشید و و زیاده روی نکرده و عهد نشکنید و مثله نکرده و بچه ای را نکشید» (همان)؛ مضمون این روایت شبیه به امامیه نیز نقل گردیده بود.

### ج: تحلیل آیات و روایات

طبق این آیات و روایات می توان نتیجه گرفت که اصل اولی در تجاوز، کشتن، اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان، «حرمت» است و از این اطلاق و عموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده است. اگر در موردی شک داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شک کنیم استفاده از سلاح های کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه؟ مرجع ادله اولیه است. اصولی چون منع اقدام به جنگ به قصد انتقام جویی، منع آغاز به جنگ نمودن، منع مثله کردن کشته های دشمن، منع نقض عهد و پیمان های جنگی، منع کندن و سوزاندن درختان و مزارع، منع اسارت پیش از اتمام حجت که مستخرج از منابع قرآنی و روایی فوق الذکر و مانند آن می باشد، می تواند در جهت تبیین مبانی فقهی حرمت بکارگیری ابزار جنگی غیر متعارف هسته ای و میکروبی مورد استدلال قرار گیرد.



اقتضای درک عقل در مسأله نیز معلوم است؛ با این توضیح که عقل همسو با مفاد نصوص شرعی، هرگونه ظلم و بی‌عدالتی و فساد را تقبیح می‌کند (علیدوست، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

### ۳-۳- مقاصد شریعت

در این پیوند، نباید مقاصد خداوند را در بعث رسل و انزال کتب آسمانی و تشریح مقررات نادیده گرفت. مطابق ده‌ها آیه از قرآن، مقصد خداوند در انجام این سه پدیده، اصلاح حال بندگان در ارتباط با خداوند و در پیوند با یکدیگر است (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱ و ۲۱۳؛ آل عمران: ۱۶۴؛ اعراف: ۱۵۷؛ انفال: ۲۴؛ حدید: ۲۵ و ۲۹؛ جمعه: ۲) و اصلاح هرگز با افساد و خلق و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی تأمین نمی‌شود (علیدوست، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

### ۳-۴- قاعده حرمت اعانت بر اثم

براساس این قاعده اگر اثم - یعنی گناه و زشتی و پلشتی - در عملی از نفع و سود آن عمل بیشتر و بزرگ‌تر باشد، تحریم می‌گردد. سلاح‌های هسته‌ای، مصداق اثم این قاعده است. این سلاح‌ها به وضوح، اثمی بزرگ‌تر از نفع دارند. تصور درگیر شدن بشر در نبرد هسته‌ای آنچنان دهشت‌انگیز است که جایی برای تشکیک در کاربرد قاعده مورد اشاره باقی نمی‌گذارد. تشخیص پلشتی و زشتی بهره‌گیری از سلاح‌های هسته‌ای به حکم عاقلان و خوردن مهرتأیید از سوی وجدان آدمی مسلم است.

تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز حکمی مشابه دارد، زیرا افزایش این سلاح‌ها به تدریج فرایندی تصاعدی خواهد یافت و به شیوه‌ای پیوسته به تکرار این وضعیت خواهد انجامید. این مسابقه خطرناک که منطقی تصاعدی بر آن حکم می‌راند، اثمی را سبب می‌شود که بی‌هرسخنی، بیشتر از منافع احتمالی برخوردار از این سلاح‌ها است. آیه «إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹) «اگرچه در ارتباط با خمر و میسر» وارد شده، ولی در واقع یک قاعده است و قابل تطبیق در هر مورد که بزرگ‌تر بودن اثم در آن احراز شود. در ارتباط با خمر و میسر، شارع مقدس، خود بزرگ‌تر بودن اثم را اعلام

نموده، ولی در ارتباط با سلاح اتمی، تمام عقلای جهان بر نهفتگی فساد بزرگ در آن اتفاق نظر دارند. به واقع، همه معتقدند که فساد نهفته در سلاح اتمی، فساد ذاتی و حداکثری است و از این رهگذر، احراز موضوع قاعده شکل می‌گیرد.

### ۳-۵- قاعده لاضرر

قاعده «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۷) که مفاد آن ممنوعیت وارد کردن خسارت، بدون جهت یا با تعدی و تفریط بر دیگران، می‌باشد مقرر می‌دارد که ما حق نداریم ضرر غیر قابل جبران و کنترل نشده‌ای را به بهانه دفاع بر دیگران وارد کنیم. متقابلاً این مسأله در حقوق بین الملل از «اصول کاردینال» (نعمت الهی، ۱۳۷۹: ۳۱) شمرده می‌شود؛ بدیهی است که بکارگیری سلاح هسته‌ای باعث می‌شود ضررهای غیر قابل جبران، بر انسان‌ها و طبیعت وارد شود.

### ۴- نحوه دلالت مفهومی روایات، بر منع از تولید و بکارگیری جنگ-

#### افزارهای کشتار جمعی

#### ۴-۱- روایات دال بر حرمت مسموم کردن محل سکونت دشمن

«عن السکونی انّ النبیّ (ص) نهی أن یلقى السّم فی بلاد المشرکین: رسول خدا(ص) از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳).

#### الف: بحث دلالتی

به نظر می‌رسد منع و نهی در این روایات، هرچند در مورد سم وارد شده است لکن ملاک نهی، اختصاص به سم ندارد بلکه شامل هرگونه سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود، زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و یا هوا و یا زمین و میان استفاده از دیگر سلاح‌های غیر متعارف نیست؛ چراکه اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد استفاده از بمب اتم و سلاح شیمیایی، به طریق اولی حرام است. همچنین این مورد، از احکام توصلی است؛ لذا می‌توان از آن الغای خصوصیت کرده و به ابزارهای کشتار جمعی که همانند سم - بلکه در حد بیشتری سبب نابودی می‌شود - سریان داد.

## ب: فتاوی فقها در مورد منع از القاء سمّ در جنگ

بسیاری از فقهای عظام، پاشیدن سمّ در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته اند. به عنوان نمونه، به چند مورد اشاره می شود:

شیخ طوسی در کتاب النهایه می نویسد: «فَأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُلْقَى فِي بِلَادِهِمُ السَّمَّ: هَمَانَا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سمّ پاشیده شود» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۵۱). ابن ادریس نیز می گوید: «فِي جُوزِ قِتَالِ الْكُفَّارِ بِسَائِرِ أَنْوَاعِ الْقَتْلِ وَ اسْبَابِهِ إِلَّا بِتَغْرِيقِ الْمَسَاكِينِ وَ رَمِيهِمُ بِالنَّيْرَانِ وَ الْقَاءِ السَّمِّ فِي بِلَادِهِمْ فَأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِهِمْ: كَشْتَنَ كُفَّارٍ بِأَسَائِرِ أَنْوَاعِ الْقَتْلِ وَ اسْبَابِشِ جَائِزٌ اسْتِ، أَمَّا بَأَيْسَتِي سَاكِنِينَ رَا كَه قَصْدِ جَنْكٍ نَدَارِنْدَ از جَنگُویَانِ جَدَا سَاخْتِ وَ دَر مِیَانِ آنْهَا سَمِّ الْقَاءِ نَكْرَدِ، چَرَاكِه دَر بِلَادِ آنْهَا الْقَاءِ سَمِّ جَائِزِ نِیْسْتِ» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۷/۲). هَمچَنینِ ابْنِ زَهْرَه دَر اَیْنَبَارَه مِی نَوِیْسَد: «فِي جُوزِ قِتَالِ الْعَدُوِّ بِكُلِّ مَا يَرْجَى بِهِ الْفَتْحُ مِنْ نَارٍ وَ مَنْجْنِيقٍ وَ غَيْرِهِمَا وَإِنْ كَانَ فِيهَا بَيْنَهُمْ مُسْلِمُونَ إِلَّا إِيْقَاءَ السَّمِّ فَأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُلْقَى فِي دِيَارِهِمْ، وَ لَا يُقَاتَلُ فِي الْأَشْهُرِ الْحَرَمِ مِنْ بَرِي لَهَا حَرَمَةٌ مِنْ الْكُفَّارِ إِلَّا أَنْ يَبْدَأُوا فِيهَا بِالْقِتَالِ: ... دَر بِلَادِ كُفْرٍ، الْقَاءِ سَمِّ جَائِزِ نِیْسْتِ وَ نَبَايَدِ دَر مَاهَايِ حَرَامِ بَا آنْهَا مَقَاتَلَه نَمُود؛ الْبَتَه نَسْبَتِ بَه كَسَانِي كَه حَرَمَتِي بَرَايِ اَیْنِ مَاهَا قَائِلِ هَسْتِنْدِ مَگَرِ اَیْنِ كَه دَر چَنینِ مَاهَايِ آنْهَا شُرُوعِ كُنِنْدَه جَنْكِ بَاشِنْدِ» (ابن زهره، بی تا: ۲۰۱/۱).

بسیاری از مراجع تقلید معاصر نیز در استفتائاتی که از آنها شده است بکارگیری ابزارهای جنگی غیر متعارف را در جنگ حرام دانسته اند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۹/۲) و حتی تهدید دشمن با سلاح های کشتار جمعی از نظر اکثر فقها ممنوع است. مقام معظم رهبری نیز صریحاً تولید و استفاده از سلاح هسته ای و انواع دیگر سلاح های کشتار جمعی همانند سلاح های شیمیایی و میکروبی را حرام می دانند؛ این فتاوی - تاریخی در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۸۹ صادر شده است. براساس روایات معتبره و فتاوی فقهای گذشته و استفتاء از مراجع معاصر نیز، استفاده از ابزارهای جنگی غیر متعارف حرام است، چون مصداق مسموم کردن مناطق جنگی است.

## ۲-۴- روایات ناظر بر منع استفاده از تسلیحات آتش‌زا در جنگ

الف: «عن ابی عبدالله (ع) قال أن النبی (ص) کان اذا بعث امیراً که علی سرّیه امره ... و لا تقطعوا شجره مثمره و لا تحرقوا زرعاً» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۳/۶)؛ در این روایت، پیامبر از سوزاندن نخل‌ها در جنگ منع می‌کند.

ب: «عبدالله ابن مسعود عن ابیه قال، قال رسول الله (ص) لا تعدّبوا بالنار لایعدّب بالنار الّا ربّها: از طریق سوزاندن کسی را عذاب ندهید، چرا که فقط خدای آتش، با آتش کسی را عذاب می‌دهد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۶).

## ۵- نظریات فقهای شیعه و اهل سنت در مورد ممنوعیت استفاده از

### جنگ‌افزارهای کشتار جمعی

#### ۵-۱- فقهای شیعه

هرچند در صدر اسلام، تسلیحات کشتار جمعی (اتمی، شیمیایی و میکروبی) به شکل مدرن که در عصر حاضر، بشر به آنها دست یافته، وجود نداشته است ولی نمونه‌ای ضعیف آن؛ مانند سم وجود داشته که ویژگی‌ها و پیامدهای تسلیحات کشتار جمعی در آن وجود دارد. در واقع، سم یک نوع سلاح شیمیایی است. پیامبر اکرم (ص) از بکارگیری آن باز داشته است و بر اساس فرموده ایشان می‌توان حرمت حکم بکارگیری سلاح‌های استراتژیک و کشتار جمعی عصر حاضر را از طریق اولویت استفاده نمود. همین‌طور روایات دیگری وجود دارد که قواعد رزمی اسلام را در مورد استفاده از تسلیحات بیان می‌کند و این روایات نیز بر حذف استفاده از برخی تسلیحات مانند سلاح‌های آتش‌زا تأکید دارد. فقهای امامیه بر اساس آیه اعتداء و روایات فراوان تصریح کرده‌اند استفاده از ابزارهای جنگی موجب کشتار جمعی، حرام است و بایستی اصل تفکیک و اصل تناسب رعایت شود که در هر حال، سلاح‌های هسته‌ای و مانند آن به هیچ وجه نمی‌توانند آن اصول را رعایت کنند؛ به علاوه که باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیر برای طبیعت و بشریت می‌باشد. به مواردی از آن فتاوی اشاره می‌شود:

- شیخ طوسی: «و لا یجوز قتل النساء فإن قاتلن المسلمین وعاون أزواجهن ورجالهن أمسک عنهن فإن اضطروا الی قتلهن جاز حينئذ قتلهن و لم یکن به بأس: اجازه ندهید که زنان مشرکین به شوهرانشان در جنگ علیه مسلمین کمک کنند، اما اگر مضطر شدید می‌توانید زنانشان را بکشید» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۲/۱).

- ابن براج: لایجوز قتل النساء وإن قاتلن مع أهلهن، ألاً أن یدعوا الی قتلهن ضروره، و إن دعت الی ذلك ضروره لم یکن به بأس: تا ضرورت اقتضا نکرد از کشتن زنان در جنگ پرهیزید (ابن براج، ۱۴۰۶: ۳۰۳/۱).

- علامه حلی: «لایجوز قتل المجانین و لا الصبیان و لا النساء منهم وإن أعن إلا مع الحاحه: در جنگ کشتن مجانین، بچه‌ها و زنان مشرکین جایز نیست، مگر این که ضرورت اقتضا کند (علامه حلی، ۱۴۲۱: ۸۰/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴۸۶/۱).

## ۲-۵- فقهای اهل سنت

در فقه مذاهب اهل سنت صراحتاً بحثی در مورد این سلاح‌ها در متون فقهی مذاهب نیامده است؛ لذا کسی که در تکاپوی پیدا کردن حکم شرعی سلاح کشتار جمعی است می‌تواند از طریق نوع متن به این مهم دست پیدا کند:

۱- متون فقهی که عملیات جنگی را محصور در نظامی‌ها می‌داند و از مورد هدف گرفتن غیر نظامی‌ها منع می‌کند و از قبیل این متون در کتاب و سنت و در اقوال صحابه و کردارشان به وفور پیدا می‌شود.

۲- متون فقهی که بر زبان فقها و نوشته‌های آنها جاری است و از بطن کتب فقهی به دست می‌آید و نیز آن چه که از طریق آنها می‌توان احکام شرعی سلاح‌های کشتار جمعی را استنباط نمود. اینگونه متون را می‌توان به مجموع‌های ذیل تقسیم بندی کرد:

الف: متون فقهی که از آن جواز نابود سازی قلعه و دژها و برج‌های دشمن و از جا کندن آنها به وسیله کار گذاشتن منجنیق و عراده فهمیده می‌شود. این نوع از اسلحه قدیمی و ابتدائی ضرورتاً محصور در نظامی‌ها نیست و غیر نظامی‌ها را هم شامل می‌شود.

آثار ویرانگر این نوع از اسلحه فقط شامل حال انسان نمی‌شود بلکه به تخریب ساختمان ها، تونل ها، مزارع و ... منجر می‌شود.

ب: متون فقهی که درباره سوزاندن دشمن به وسیله آتش سخن می‌گوید؛ چه در قلعه ها و برج هایشان باشند و چه در کشتی ها.

ج: متون فقهی که درباره حکم قطع درختان دشمن و سوزاندن زمین های زراعی و محصولاتشان صحبت به میان می‌آورد.

۳- وسایلی که فقها درباره آنها سخن گفته‌اند و در به هلاکت رساندن اشخاص دشمن، بدون این که آثار ویرانگر آن به ساختمان ها و بناهای دشمن سرایت کند؛ و از این جمله است ریختن سمّ در منابع آب دشمن یا در سبوی شراب یا به وسیله پرتاب کردن تیر سمّی یا به وسیله قراردادن عقرب ها و مارها در فشنگدان منجنیق ها و پرتاب آنها به سوی دشمن (محمود الصلاحین، ۱۴۲۶: ۱۲۵). فقها در تمامی این احکام سخن به زبان آورده و گروهی از آنها مطلقاً یا در مورد بعضی از آنها یا در تمام موارد نظر داده‌اند؛ و برخی از آنها بکارگیری بعضی از این موارد را مقید به قیود و ضوابطی کرده اند و در میان سخن خود درباره آنها و احکامشان علل و دلایلی را نگاشته اند که چه بسا حکم مذکور در صورت وجود علّت و دلیل و یا نبود آنها تغییر یابد. در ذیل به نمونه‌هایی از نظر مذاهب اهل سنت در این مورد اشاره می‌شود:

**الف: حنفی:** موصلی از فقهای حنفی گفته است: «و لا یقتلوا مجنوناً و لا امرأاً و لا صبیّاً و لا أعمی و لا مقعداً و لا مقطوع الیمین و لا شیخاً فانیاً: نباید در جنگ با دشمنان دین، مجنون، زن، بچه، کور، زمین گیر، دست بریده و پیر ناتوان را بکشید» (موصلی حنفی، ۱۴۱۹: ۱۲۸/۴).

**ب: شافعی:** در منابع اهل سنت آمده است: «و لا یجوز قتل نساءهم و لا صبیانهم إذا لم یقاتلوا لما روی ابن عمر رضی الله عنه أنّ رسول الله (ص) نهی عن قتل النساء و الصبیان و لا یجوز قتل الخنثی المُشکل لانه یجوز أن یکون رجلاً و یجوز أن یکون امرأه فلم یقتل مع الشک: به خاطر نهی رسول اکرم (ص) از کشتن ناتوانان نباید زنان و بچه ها را کشت

و همچنین کشتن خنثی نیز جایز نیست؛ چراکه هنگام شک در مرد بودن و زن بودن خنثی باید احتیاط کرده و او را نکشت» (نووی، بی تا: ۲۹۵/۱۹).

**ج: حنبلی:** ابن قدامه از فقهای حنبلی می گوید: «(فصل) و لا تقتل امرأه و لا شیخ ... و بذلک قال مالک و أصحاب الرأی، و روی ذلک عن أبی بکر الصدیق و مجاهد و روی عن ابن عباس فی قوله تعالی (و لا تعتدوا) یقول لا تقتلوا النساء و الصبیان و الشیخ الکبیر»؛ ابن عباس در تفسیر آیه صد و نود سوره بقره گفته است که کشتن زنان و بچه‌ها و پیرمردها جایز نیست (ابن قدامه، ۵۴۱/۱۰-۵۴۴).

**د: مالکی:** ازهری از فقهای مالکی گفته است: «و لا یقتل النساء و لا الصبیان لما صح من نهیه علیه الصلاه و السلام عن قتلهم»؛ روایت صحیح‌های از پیامبر اکرم (ص) در مورد نهی از کشتار کودکان و زنان وجود دارد و لذا این کار حرام است (الازهری، بی تا: ۴۱۴).

از مجموع مباحثی که تحت عنوان مقتضای اصل اولی و حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت بکارگیری ابزارهای آتش‌زا در جنگ صورت گرفت، با تنقیح مناط و وحدت ملاک گرفتن به این نتیجه قطعی و مسلم می‌توان رسید که استفاده از سلاح‌های غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، از نظر فقهای مذاهب اسلامی، حرام و ممنوع است.

## ۶- جنگ اخلاقی و جوانمردانه

امروزه در فضای حقوق بین‌الملل از جنگی که در آن اصول انسانی رعایت شود، به عنوان جنگ اخلاقی یا *just war* یا *moral war* (مدنی، ۱۳۵۲: ۱۷) بحث می‌شود و متقابلاً از آموزه‌های فراوان اسلامی، اصل جنگ جوانمردانه و رعایت اخلاق انسانی در جنگ را به وضوح می‌توان به دست آورد؛ مخصوصاً در متون اسلامی فروعاً و فرعیاً در اینباره وجود دارد؛ مانند این که در جنگ اگر دشمن اسیر ما را کشت ما حق نداریم اسیر او را بکشیم؛ اگر کشته‌های ما را مثله کرد، ما حق نداریم کشته‌های او را مثله کنیم و مواردی از این قبیل. در جریان هابیل و قابیل که قرآن مطرح کرده‌است، هابیل به

برادرش می‌گوید: «لَنْ بَسَطْتُ إِلَيْكَ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (مائده: ۲۸) «من دست به برادر کشی نخواهم زد ولو این که تو دست بلند کنی و خواسته باشی مرا بکشی» هابیل نمی‌گوید که تو را نمی‌کشم بلکه می‌گوید اگر تو قصد مجرمانه (قتل) داری، من قصد قتل ندارم (یعنی دفاع می‌کنم اما جنگ نمی‌کنم)؛ این به معنای حاکمیت اخلاق است؛ همچنین نمونه‌های فراوان اخلاقی از مقابله سپاه اسلام با سپاه کفر در حادثه عاشورا که هم به تمام معنا مبارزه با ظلم بوده و هم با تمام وجود، ایثار و گذشت را تجلی می‌دهد، بیانگر اصل ظلم ستیزی و رعایت اصول اخلاق نظامی است؛ تمامی نمونه‌هایی که از نحوه مقابله امام حسین (ع) با دشمن گزارش شده است جملگی حکایت از اخلاق جنگ و سیره امام معصوم در مواجهه با دشمن دارد که از اقدام علیه انسانیت و کارهای غیراخلاقی حتی با دشمن مسلم نهی می‌کردند.

### نتیجه گیری

بعد از بررسی نظرات علما و فقهای مذاهب می‌توان گفت که جمع بین ادله و روایات این است که اصل بر حرمت استفاده از تسلیحات کشتار جمعی است و ادله حرمت، اصل استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را مدنظر دارند که در این نوشتار، مبانی و ادله استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و سلاح‌های هسته‌ای مورد واکاوی فقهی و اخلاقی قرار گرفت و به این نتیجه قطعی و مسلم رسید که استفاده از سلاح‌های غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، یک جرم عام و اقدام علیه انسانیت و کرامت انسانی است و از نظر فقهای مذاهب اسلامی حرام بوده و ادله‌ای از قرآن و روایات مؤید آن است. بنابراین، در تعالیم اسلامی و اخلاقی، آیات و روایات، مستندات در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی در قالب مؤلفه‌هایی وجود دارد که همگی بر منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی دلالت دارند. در این حکم یعنی ممنوعیت کاربرد، تفاوتی در میان آرای مذاهب اسلامی وجود ندارد. حتی با وجود بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از سوی دشمن، باز هم مسلمانان به کاربرد سلاح‌های کشتار



جمعی مجاز نیستند و استفاده از سلاح های کشتار جمعی در هر صورت، اقدام علیه انسانیت محسوب می شود. حتی تهدید (نه بکارگیری) دشمن با سلاح های کشتار جمعی از منظر اسلام و اخلاق ممنوع است. مطابق اسناد ملفوظ از قرآن و سنت معصوم (ع) و درک عقل و مقاصد شریعت، تولید و انباشت و بکارگیری تسلیحات کشتار جمعی ممنوع است. آن چه از نظر فقهای اسلام منع شده است تولید، نگهداری و بکارگیری سلاح کشتار جمعی است که برای رسیدن به صلح پایدار در جهان، التزام به منع استفاده از آن یکی از اصول مسلم در اسلام و حقوق بین الملل به شمار می رود. افزون بر سلاح هسته ای، دیگر انواع سلاح های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدید جدی علیه بشریت تلقی می شوند که باید توسط مجامع اسلامی و بین المللی با هر شکل استفاده از آن حتی تولید آن ممانعت گردد. در جامعه بین المللی نیز بر اساس قوانین و قواعد حقوق، استفاده اولیه از سلاح هسته ای ممنوع می باشد که دلیل اصلی این ممنوعیت، موادی از معاهدات و قوانین بین المللی همچون NPT و منشور ملل متحد است که بر خلع سلاح دلالت دارند. جمهوری اسلامی ایران نیز از دو جهت به پرهیز از تولید و انباشت و کاربرد سلاح های غیر متعارف پایبند است؛ از جهت فتوای رهبری؛ و از جهت تعهدی که در N.P.T و سایر ترتیبات بین المللی دارد و از نظر فقهی، تولید و انباشت آن نیز با توجه به عدم استفاده از آن عقلایی نیست.

## منابع

### - قرآن کریم.

- آبی الأزهری، صالح عبدالسمیع (بی تا)، **الثمر الدانی فی تقریب المعانی**، بیروت: المكتبة الثقافية.
- آهانگران، محمدرسول؛ غانم، الهام (۱۳۹۷)، **ارزیابی عملکرد عرف در تغییر حکم مصادیق موضوعات عرفی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۸، ۳۳-۴۸.
- ابن اثیر، ابوالسعادات محمد جزری (۱۳۶۴)، **النهایه**، تحقیق: طاهر الزاوی، قم: اسماعیلیان.
- ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- ابن برآج طرابلسی (قاضی)، عبدالعزیز بن نحیر (۱۴۰۶ق)، **المهدّب**، ج ۱، اشراف: جعفر سبحانی تبریزی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، **مسند الامام احمد بن حنبل**، بیروت: دار صادر.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (بی تا)، **الشرح الكبير**، ج ۱۰، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد بن محمد (الف)، **المغنی**، بیروت: دار الكتاب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷م)، **لسان العرب**، ج ۵ و ۴، بیروت: دار صادر.
- اخوان کاظمی، بهرام، **کرامت انسانی در دولت مهدوی**، ۱۳۸۷/۰۱/۲۹.
- اصبهانی، ابونعیم (۱۴۱۵ق)، **مسند ابی حنیفه**، تحقیق: نظر محمد الفاریابی، ریاض: مکتبه الکوثر.
- بیهقی، احمد بن حسین (بی تا)، **السنن الكبرى**، ج ۹، بیروت: دار الفکر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰)، **حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب**، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸)، **تفسیر تسنیم**، ج ۹، قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱۵ و ۱۶، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۱ق)، **تلخیص المرام فی معرفه الاحکام**، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۹۰)، **صحیفه امام**، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رابرتسون، جفری (۱۳۸۳)، **جنايات علیه بشريت**، گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی زیر نظر دکتر حسین میرمحمدصادقی، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ساعد، نادر (۱۳۸۶)، **حقوق بشردوستانه و سلاح های هسته‌ای**، تهران: شهر دانش.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، **النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوى**، بیروت: دار الكتاب العربی.

- عبدی، حسن؛ هاشمی، محمدجواد (۱۳۹۷)، بررسی تحلیلی مفهوم سلاح های کشتار جمعی و تطبیق آن بر دیدگاه اسلامی با تاکید بر ارای مقام معظم رهبری امام خامنه ای (مدّ ظله العالی)، سیاست، ۴۷، ۷۰۹-۷۳۲.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۷)، فقه هسته‌ای، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ توکلی، محمد مهدی (۱)، حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام، مطالعات حقوق خصوصی، ۴، ۱۶۱-۱۸۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۱۹، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمود الصلاحین، عبدالمجید (۱۴۲۶ق)، اسلحه الدمار الشامل و أحكامها فی الفقه الاسلامی، شریعت و قانون، شماره ۳۰.
- مدنی، سید جلال (۱۳۵۲)، خلع سلاح و سازمان ملل متحد، تهران: خواندنی‌ها.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، نظریه حقوقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۴)، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیر رنجبریان، تهران: دادگستر.
- موصلی حنفی، عبدالله بن محمود (۱۴۱۹ق)، الاختیار لتعلیل المختار، ج ۴، بیروت: دار الکتب.
- نعمت اللّهی، همایون (۱۳۷۹)، واژه‌نامه سیاسی، تهران: عباسی.
- نووی، یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع، ج ۱۹، بیروت: دار الفکر.